

نگاهی به تاریخ اسناد و شعر جاهلی عرب

روایت و جمع شعر:

همینکه از روایت و جمع شعر سخن میرود، اجباراً این سؤال پیش می‌آید که اعراب جاهلی و آغاز اسلام تا چه حد با هنر نگارش آشنا بوده‌اند؟ زیرا آشنا بودن یا نبودن ایشان با کتابت، در صحت انتساب شعر به دوران جاهلی یا عدم صحت آن تأثیر مستقیم دارد. در بخش اول این مقاله مسأله کتابت را به تفصیل شرح داده‌ایم و از نظر «کرنکو» که به انتشار آن در عصر جاهلیت معتقد است انتقاد کرده‌ایم. عقاید کرنکو به صورت دیگری نزد بسیاری از محققین عرب رواج یافته. مثلاً دکتر اسد، برای اثبات این موضوع، روایتهای متعددی از کتب عربی استخراج کرده و در کتاب خود آورده است. ذکر کلماتی چون: ورق، صحیفه، مصحف، کراسه، زبور، سفر، دفتر، کتاب و غیر آنها (که اغلب از ریشه غیرعربی هستند) را دلیل بر رواج آلات کتابت میپندارد (۱).

شاید براساسی عبدالحکم بن عمرو بن عبدالله بن صفوان جمعی اطافی تهیه دیده و در آن «شطرنجات و نودات و قرات و دفاتری از هر علم» نهاده باشد (۲)، شاید در حدود

۱ - مصادر الشعر الجاهلی ص ۱۴۰-۱۳۴.

۲ - اغانی (دارالکتب) ج ۴ ص ۲۵۳.

سال ۵۰ هـ . ضحاک بن مزاحم دو سه هزار کودک را تعلیم داده باشد (۱) ، شاید خالد بن یزید مرکزی برای ترجمه کتب علمی تهیه دیده باشد (۲) ، و نیز بعید نیست مقداری از آنچه امروز به عروقه بن زبیر و ابان بن عثمان و دیگران نسبت داده میشود ، بدست خود ایشان نوشته شده باشد (۳) ، لکن این روایات همه به آغاز گسترش کتابت در اواسط و بلکه در اواخر قرن اول اشاره میکنند ، نه به انتشار آن در عصر جاهلی .

از همین قبیل است روایتی که در باره کتابها و مجموعه های ابو عمرو بن العلاء و حماد راویه ذکر شده (۴) . اما آن دسته از روایات که به کتابت در عصر جاهلی اشاره دارد ، همه سخت افسانه آمیز است و اعتمادی بر آنها نمیتوان کرد . از آن قبیل است : دیوانی که نعمان (مرگ در ۲۰۶ م) در «طنوجی» گردآورده زیر قصر ایض بخاک سپرد ، داستان آویختن معلقات به دیوار کعبه ؛ نامه نوشتن سلوک عرب به اکثم بن صیفی (۵) .

بهر حال اختلافات بی شمار و ابهام انگیزی که در اشعار جاهلی دیده میشود ، بیگمان از شفاهی بودن روایات سرچشمه میگردد . لکن ، شاید بتوان گفت که برخی از این اختلاف روایات در زمان خود شاعر بوجود نیامده است ، زیرا شاعر جاهلی شعر خود را در اغلب موارد ، بنا به مناسبتی بالبدیهه میسرود . شعری که اینچنین سروده میشد ، گاه بسبب مستی یا مهیا نبودن شرایط از خاطرها میرفت ، و گاه نیز با زندگی قبائل و امیران درمی آمیخت و در سینه ها باقی میماند . برخی روایات نشان میدهند که گاهی شاعران جاهلی در حک و اصلاح اشعار خود کوشش فراوانی میکردند (۶) .

در مورد اشعار بلند ، روش قطعه قطعه شعر سرودن و پس از اصلاح از مجموعه آنها قصیده ای ساختن ، تنها روش معقول در عصر جاهلی بنظر میرسد . باین ترتیب که شاعر نخست قطعه ای سروده آنرا به حافظه اطرافیان یا راویان میسپرد . پس از چندی آنرا از نو

۱ - معجم الادباء ترجمه ضحاک بن مزاحم .

۲ - البیان والتبیین جاحظ (قاهره ، ۱۹۴۷) ج ۱ ص ۳۱۴ .

۳ - رک به مصادر الشعر الجاهلی ص ۱۵۰-۱۴۰ .

۴ - مرجع قبلی ص ۱۵۸-۱۵۵ .

۵ - مصادر الشعر الجاهلی ص ۱۷۸-۱۵۹ .

۶ - مانند زهیر بن ابی سلمی که بقول ابن قتیبه یک سال صرف اصلاح هر قصیده

میکرد . رک به مقدمه الشعر و الشعراء ص ۱۷ .



میشد و با رعایت ملاحظات دیگران در آن اصلاحاتی میکرد و باز قطعه دیگری بر آن میافزود. چون شعر، قبل از اصلاحات نیز در میان گروهی پراکنده شده بود، ناچار ممکن بود شعر به دو صورت اصلاح شده و اصلاح نشده در میان اعراب باقی بماند و تا بعد از اسلام روایت شود (۱). البته در مورد اختلاف روایت اشعار عامل فراموشی در درجه اول اهمیت قرار دارد. زیرا با در نظر گرفتن کثرت واژه‌های مترادف بیابانی و ساختمان افعال و ابواب در زبان عربی، بدیهی است که هر راوی به آسانی میتواند به محض احساس کردن اندک فراموشی، خلاء حافظه خود را با دیگر کلمات پر کند.

عامل بسیار عمده دیگری که در نقل اشعار جاهلی اثری عظیم داشته است، وجود مردانی معروف به روای بوده است که شاعر یا گاهی چند تن از آنان را بخود اختصاص میداد. این راویان وظیفه داشتند که اشعار او را حفظ کرده و بعد انتشار دهند. طبیعی است که پس از مرگ شاعر، وظیفه راوی سنگین‌تر میشد و در نظر افراد قبیله اهمیتی خاص مییافت (۲).

چگونگی جمع اشعار جاهلی

اشعار و اخبار دوران جاهلی از آغاز پیدایش تا دوران نگارش، راهی بس طولانی و پر خاطره پیمود. در آغاز اسلام، انبوه عظیمی شعر تقریباً بصورت پراکنده، در میان اعراب موجود بود که بیگمان هیچیک، ازگزند زمان و حوادث تاریخ و احیاناً کج رفتاری ناقلین در امان نماندند. اما پیدا شدن دولت اسلام، فصل تازه‌ای در سرنوشت این اشعار گشود و انگیزه‌های متعددی برای جمع آوری آنها بوجود آورد.

اعراب، به یاری آیین جدید موفق شدند سرعت دولتی بمعنی واقعی و با نظام

۱ - Blachère : Histoire de la littérature ... ج ۱ ص ۸۹ .

۲ - درباره روایت رک به Blachère ج ۱ ص ۹۰ به بعد، فی الادب الجاهلی ص

۱۶۸ ، مصادر الشعر الجاهلی ص ۲۲۱ - ۱۸۸ ، شوقی ضیف : تاریخ الادب العربی ، عصر جاهلی ، قاهره ، ۱۹۶۰ ص ۱۳۸ به بعد ، احمد امین : ضحی الاسلام (چاپ پنجم) ج ۲ ص ۲۵۲ به بعد و نیز همه کتب تاریخ ادبیات .



اداری نسبتاً کاملی بوجود آورند . ابتدا آنچه در نظام اداری این دولت نو بنیاد اهمیت همگانی داشت عبارت بود از : تقسیم غنائم ، جیره‌بندی سربازان و غیر ایشان ، دادن اقطاع ، اسکان قبائل در شهرهای نو بنیاد یا در شهرهای فتح شده (۱) ... و نیز آنچه در اساس این امور قرار میگرفت ، در وهله اول اول نسب و شجره نامه افراد بود .

بزرگترین منبعی که برای اثبات شجره نامه‌ها وجود داشت ، همانا شعر جاهلی بود که در آن ، ضمن بیان «مفاخر و مثالب» و مدیحه‌ها و هجاها به اصل و نسب و ازدواجهای گروه پیشماری از قبائل و حتی افراد اشاره شده بود . شاید یکی از دلالتی که باعث گردیده اعراب ، شعر را «دیوان العرب» بخوانند همین موضوع بوده است .

از زمان خلافت امام علی (ع) که نزاعهای سیاسی و مذهبی اوج گرفت و نیز در آغاز خلافت امویان که نزاع میان قبائل یمنی و مضر شدت یافت ، قبائل خرد و کلان در پی آن شدند که به منظور بزرگ کردن خود و خوار ساختن قبائل رقیب ، اشعاری را که بزرگیها و فتوحات و شجاعت‌های پدرانیشان را (مفاخر) ، و زشتیها و پستی‌ها و شکستهای دشمن را (مثالب) در برداشت فراهم آورده در اغراض سیاسی و حتی مذهبی خود بکار بندند . آن نسب جوئی‌ها و این مبارزات که خلفای اموی نیز ، بنا به اغراض سیاسی ، با شدت وحدت بر آتش آن دامن میزدند ، از عمده‌ترین انگیزه‌های جمع شعر جاهلی بود (۲) .

در این سالها ، هر چه فتوحات و افتخارات و احساس غرور در دل اعراب بیشتر میشد ، میلشان نیز به آشنائی بر حوادث گذشته و سرنوشت ملوک و زندگانی حضرت رسول (ص) و مبارزات و شجاعت‌های مسلمانان و بطور کلی هر چه به تاریخ تعلق داشت ، شدت مییافت . برای بدست آوردن این اطلاعات ، شعر و آنچه بنام «اخبار» معروف است ، تنها منابع رائج بودند . در زمان اموی ، طبیعتاً میل به این تاریخ‌ها شدت یافت بطوریکه ، بقسول ابن‌الندیم (۳) معاویه ، عیید بن شریه را که بر این امور آگاهی داشت به سوره احضار کرد تا اخبار ملوک عرب و غیر عرب ، حکایت‌های مربوط به زبان عربی ، سرگذشت انسان و

۱ - برای بحث در این مورد رک به فتوح البلدان بلاذری ، ترجمه ما ص ۲۴۹ «فصلی در امر عطاء ...» و نیز به تعلیقات ما بر این کتاب ص ۳۸۹ به بعد ، خاصه ذیل واژه‌های : خراج ، اقطاع ، عطاء و منابعی که در هر مورد ذکر کرده‌ایم .

۲ - Blachère ... ج ۱ - ص ۹۴

۳ - الفهرست (ط . اروپا) ص ۸۹ ، اخبار عبیدین شریه (ط . هند ، ۱۳۴۷) ص ۱۱۳ .



چگونگی انتشار مردم را در جهان جمع و روایت کند .

البته در همه این موارد ، نباید عشق اعراب را به سخن موزون فراموش کرد . زیرا خود شعر نیز از نظر اهمیت نظم ، جزو مفاخر هر قبیله بشمار می‌آید و هر قبیله آرزو میکرد شاعری توانا در میان خود پرورش دهد ، و اگر نام شاعری از دیر باز میان افراد قبیله وجود داشت ، میکوشیدند اشعارش را گردآوری کنند تا علاوه بر ذکر مفاخر قبیله ، بزیبائی و اهمیت آنها نیز افتخار ورزند . این موضوع خود هم باعث جمع و هم باعث جعل در شعر جاهلی گردید (۱) .

در اواخر قرن اول ، تحول روایت شفاهی بسوی کتابت با سرعت بیشتری صورت گرفت و علاوه بر قرآن کریم و برخی نوشته‌های مذهبی و سراسلات اداری ، مقدار زیادی از اشعار نیز بر روی کاغذ ضبط شد . اینگونه آثار کتبی بیشتر در شهرهای بزرگ چون بصره و کوفه و دمشق و مدینه بوجود می‌آید و بی‌تردید انبوه اعراب بیابان نشین هنوز با فن نگارش آشنائی نزدیکی نیافته بودند . در شهرها نیز مردم ، حتی دانشمندان از سنت کهن خود دست برنداشته هنوز ، ضمن استفاده از قلم و کاغذ ، آثاری را بروش روایت شفاهی ، نقل میکردند . معذک در کتب ادب اشارات فراوانی میتوان یافت که بر تمایل روز افزون اعراب به نگارش دلالت دارد (۲) ، مثلاً ، بنا به روایت ابن الندیم (۳) ، ولید بن عبدالملک (۹۶-۸۶ هـ) کاتبی را موظف کرد که اخبار گذشته را از برای او بنگارد ، یا بنا به روایت « اغانی » (۴) ، مجموعه‌ای از اشعار عمر بن ابی ربیعہ میان اهل مدینه و مکه دست به دست میگشته و نیز دیوان مکتوب او (و شاید فقط قسمتی از آن) از قرن اول بجای مانده بدست دانشمندان قرن دوم و سوم رسیده (۵) .

و باز بنا به روایت ابن الندیم (۶) ، ولید بن یزید (۱۲۷-۹۰ هـ) دستور داد یک

۱ - Blachère ... ج ۱ ص ۹۵-۹۶ .

۲ - رک به مصادرالشعرالجاهلی ص ۱۴۰ به بعد ، Blachère ... ج ۱ ص ۹۸ .

شوقی ضیف ص ۱۵۸ .

۳ - الفهرست ص ۶ .

۴ - اغانی (دارالکتب) ج ۱ ص ۱۷۸ . رک به مقاله ما تحت عنوان « اجتماع

اشرفی حجاز » مقالات و بررسیها ، دفتر ۵ و ۶ (۱۳۵۰) ص ۱۵۴ .

۵ - رک به مقاله ما ، ص ۱۵۵ .

۶ - الفهرست ص ۱۹ .



«دیوان العرب» شامل اخبار و انساب و اشعار و تواریخ عرب فراهم آید . در اواخر قرن اول و اوائل قرن دوم هجری ، پدیده بسیار عمده دیگری که بچشم میخورد ، پیدا شدن مردانی است که بعزت مهارت و قدرت فراوان در روایت ، و وسعت اطلاعات در اشعار و اخبار عرب به «راویه» (صیغه مبالغه راوی) شهرت یافتند . اینان ، برخی چون الکلبی (متوفی در ۱۴۶ ه .) و عوانه (متوفی در ۱۴۷) از اصل عربی خالص ، و برخی چون حماد و خلف ، از اصل ایرانی بودند . این راویه‌ها همه دارای حافظه‌ای شگفت‌آور بودند و از افسانه‌ها و اخبار و اشعار و انساب جاهلی و اسلامی اطلاع دقیقی داشتند . نقش بسیار اساسی این مردان در آن بود که روایت شعر را به یک شاعر یا شاعران یک قبیله منحصر نمیکردند ، بلکه غرضشان جمع آوری شعر عرب بطور عمومی و مطلق بود . روایت‌های هم ایشان بود که بعدها اساس مجموعه‌های بزرگ شعر و ادب قرار گرفت .

یگمان راویه‌ها خواندن و نوشتن میدانستند ، اما تقریباً هیچکدام اثر نوشته‌ای به‌جای نگذاشته‌اند . سبب این امر آن است که هنوز ایشان از روش روایت شفاهی روی نگردانده بودند و از هنر نگارش تنها در موارد خاصی استفاده میکردند .

باید گفت که تیز هوشی و خوش ذوقی راویان همیشه برای شعر جاهلی سودمند نبوده است . زیرا ایشان که اندک اندک در فنون شعر جاهلی و معانی و اغراض آن تبحر مییافتند ، طبیعتاً نمیتوانستند ، در شرایط مساعد ، اشعاری با رنگ و بوی جاهلی ساخته به شاعران بزرگ گذشته نسبت دهند . هیچ بعید نیست که قصیده بسیار معروف شاعر جاهلی «الشنفری» که بسبب محبوبیت و شهرت فراوان «لامیه العرب» نام گرفته ، بقول «این درید» ، از ساخته‌های «خلف احمر» باشد (۱) .

از آنجا که روایت غالباً از طریق روایت شفاهی صورت میگرفت ، ناچار باز صحت و سقم اشعار به روش راویان از یک سو، و کیفیت اخلاقی و مقدار دقت و اسانت ایشان از سوی دیگر مربوط میشود . متأسفانه همه انتقادهای قدیم و جدید بر پایه همین دو مورد استوار شده است . زیرا روش راویان ، چنانکه ضمن بیان عقان عقاید مارکلیوت و طه حسین و برانلیش دیدیم ، همه جا مورد اعتماد نیست ، بخصوص که روایانی چون الکلبی و عوانه و مفضل ضبی (متوفی در ۱۷۰ ه .) به روش شفاهی تمایل بیشتری داشتند و اخبار و اشعار را مستقیماً در بادیه از بدویان گمنامی أخذ و روایت میکردند . چون هم ایشان سراسر صرف



روایت میشد نه انتقاد و اختیار ، در نتیجه مقدار فراوانی اسانه و شعرست و جعلی را نیز ضمن اشعار دیگر نقل کرده‌اند . بهمین جهت است که از دیر باز اکثر این راویان و بخصوص الکلی مورد انتقاد دانشمندان قرار گرفتند . ابن‌سلام (۱) و ابن‌الندیم (۲) و ابوالفرج اصفهانی (۳) در موارد متعددی از او انتقاد کرده‌اند (۴) . ابو عمرو بن العلاء نیز با اینکه غالباً مورد اعتماد است ، از انتقاد بدور نمانده است . او خود به یک مورد جعل اعتراف کرده مینویسد : « من در اشعار عرب جز یک بیت [جعلی] اضافه نکرده‌ام . » (۵) .

با در نظر گرفتن انتقادهائی که بر راویان مؤمن و پای بند اخلاقی چون ابن الکلی و ابو عمرو وارد کرده‌اند ، دیگر هیچ جای تعجب نیست حماد « فاسق ماجن زندقه » یا شاگردش خلف احمر بشدت هرچه تماستر مورد حمله ادیبان همه دورانهای ادب عرب قرار گیرند . زیرا این دو تن که هر دو ایرانی الاصل و به نژاد برستی متهم بودند ، چندان موازن اخلاقی آن روزگار را محترم نمیداشتند و به شعر و سنت شاعرانه عرب که نزد همگان عزیز بود چون یک ماده علم یا ماده روایت مینگریستند و طبیعتاً آنرا کجینه انتقارات پدران خود نمیدانستند . با وجود این ، میتوان حماد را در ردیف بزرگترین راویان عرب قرار داد . وی تا سال ۱۵۶ هـ . (یا به روایتی دیگر ۱۶۴) که تاریخ مرگ اوست ، قسمت اعظم اشعار جاهلی را برای شاگردان و اطرافیان روایت کرد ، اصمعی در باره دیوان امرؤالقیس میگوید : « تمام اشعاری که از امرؤالقیس به ما رسیده ، بوسیله حماد روایت شده ، مگر اندکی که توسط ابو عمرو بن العلاء نقل شده » (۶) . یا ابن‌سلام گوید : « اول کسی که اشعار عرب را جمع

۱ - کتاب الطبقات ، لیدن ، ۱۹۱۳ ، ص ۹ که با لحن نسبتاً شدیدی از او انتقاد میکند .

۲ - الفهرست ص ۱۳۶ (چاپ التجاریده) .

۳ - اغانی ج ۱۰ ص ۴ که پس از ذکر مقداری از اخبار و اشعار در بدین صده که

همه را از قول الکلی آورده مینویسد همه این اخبار جعلی است .

۴ - درباره انتقادهای دیگر رک به ضحی الاسلام ص ۳۳۲ ، مصادر الشعر الجاهلی

ص ۲۴۷ به بعد .

۵ - اغانی ج ۳ ص ۱۴۳ ، المزهر ج ۲ ص ۴۱۵ .

۶ - المزهر ج ۲ ص ۴۰۶ .



کرد و اخبار مربوط به آنها روایت نمود حماد راوید بود» (۱). بدلیل همین روایتهاست که گروهی از دانشمندان در صحت انتساب اکثر اشعار عرب به عصر جاهلی تردید کرده‌اند (۲).

ادامه دارد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - روایت در المزهَر ج ۱ ص ۱۷۵ .

۲ - برای شرح حال حماد رَک به آغانی ج ۶ ص ۷۰ ، المزهَر ج ۲ ص ۴۰۶ ،
المعارف ابن قتیبه (دارالمعارف ، ۱۹۶۰) ص ۵۴۱ ، الفهرست ص ۹۱ . همچنین رَک به
دائرةالمعارف اسلامی ذیل Hammād و نیز ... Blachère ج ۱ ص ۱۰۳ ، شوقی ضیف
ص ۱۵۰ به بعد